

# مختصر ترجمہ حال خودم

صدرالدین عینی

۸۷۸-۱۹۵۲ م / ۱۲۵۶-۱۳۳۳ ش

مقدمہ، تصحیح، تحقیق و توضیح: دکتر مصطفیٰ بیابانی



انشارات آردن

|                     |                                                                                            |
|---------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------|
| سرشناسه             | : عینی، صدرالدین، ۱۸۷۸-۱۹۵۴م. / ۱۲۵۶ - ۱۳۳۳ش.                                              |
| عنوان و نام پدیدآور | : مختصر ترجمه حال خودم / مؤلف: صدرالدین عینی - مقدمه، تصحیح، تحقیق و توضیح: مصطفی باباخانی |
| مشخصات نشر          | : تهران، آرون، ۱۳۹۵                                                                        |
| مشخصات ظاهری        | : ۲۶۴ ص.                                                                                   |
| شابک                | : ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۲۳۱ - ۴۰۹ - ۶                                                                |
| وضعیت فهرست‌نویسی   | : فیپا                                                                                     |
| یادداشت             | : کتابنامه: ص ۱۹۹-۲۰۴                                                                      |
| موضوع               | : نویسندگان تاجیک - قرن ۲۰ م. - سرگذشت‌نامه                                                |
| موضوع               | : Authors, Tajik - 20th century - Biography                                                |
| موضوع               | : عینی، صدرالدین، ۱۸۷۸-۱۹۵۴م. Aini, Sadriddin                                              |
| شناسه خزانه         | : باباخانی، مصطفی، ۱۳۵۶، مقدمه‌نویس، مصحح، محقق                                            |
| رده‌بندی دسکری      | : ۱۳۹۵ ی ۷ ع ۹ / PIR۹۱۷۱                                                                   |
| رده‌بندی دهی        | : ۸فت۳/۶                                                                                   |
| شماره کتابخانه ملی  | : ۴۴۰۷۱۴۳                                                                                  |



پیش از رون

## مختصر ترجمه حال خودم

مؤلف: صدرالدین عینی

مقدمه، تصحیح، تحقیق و توضیح: دکتر مصطفی باباخانی

ناشر: انتشارات آرون

چاپ اول: ۱۳۹۵

تیراژ: ۱۱۰۰ نسخه

۲۳۰۰۰ تومان

## فهرست مطالب

|     |                                               |
|-----|-----------------------------------------------|
| ۷   | ..... مقدمه مصحح                              |
| ۲۳  | ..... ادیب و دانشمند بزرگ (مجتبی عاصمی)       |
| ۳۵  | ..... دیباچه (کمال عینی)                      |
| ۴۱  | ..... متن مختصر ترجمه حال خود                 |
| ۴۳  | ..... مختصر ترجمه حال خودم                    |
| ۱۹۹ | ..... کتابنامه                                |
| ۲۰۵ | ..... فهرست لغات، ترکیبات، تعییرات و اصطلاحات |
| ۲۳۹ | ..... فهرست بیتها                             |
| ۲۴۱ | ..... نمایه                                   |

به: پرده تا به چندین راز تاجیک  
 بیا بنشین شنو آواز تاجیک  
 به ذهن صاف و استعداد فطری  
 نباشد در جهان انباز تاجیک  
 سخن را چون عروسان زیب داده  
 زبان معرفت پرداز تاجیک  
 (صدرالدین عینی)

### مقدمه مصحح

نخستین آشنایی من با نام صدرالدین عینی به دوران دانشجویی ام برمی گردد. آن وقتها کتاب در آستین مرقع علی اکبر سعیدی سیرجانی تازه منتشر شده بود و آن را زنده یاد پدرم برایم آورده و به خواندنش ترغیب کرده بود. نثر زیبا و لحن و زبان دلکش سعیدی سیرجانی چنان برایم جذاب و دلپسند آمده بود که به خواندن دیگر آثارش برآمدم. یک روز که در کتابفروشیهای تهران پرسه می زدم، از کتابفروشی پرسیدم از سعیدی سیرجانی چه کتابی داری؟ وی بی درنگ کتاب نسبتاً نثری از قفسه درآورد و به دستم داد؛ آن کتاب، یادداشتها نوشته صدرالدین عینی بود که به نوشتن سعیدی سیرجانی منتشر شده بود. کتاب را ورق زدم و دیدم متن کتاب از سعیدی سیرجانی نیست، بلکه فقط مقدمه از آن اوست. من که آن وقت هیچ گونه شناختی از عینی نداشتم، آن روز به دنبال نوشته های خود سعیدی سیرجانی بودم، کتاب را گذاشتم و از خریدش اجتناب نظر کردم. اما به هر حال نام صدرالدین عینی و یادداشتهای او در ذهنم نقش بسته بود. تا اینکه بعدها برای ادامه تحصیل در مقطع دکتری به تاجیکستان رفتم؛ در اولین دیدارم با استاد بزرگ و ارجمندم پروفیسور خدایی شریف زاده بود که ایشان در میان گفتگو درباره موضوعهای علمی برای نوشتن رساله و دیگر بحثها، مرا به خواندن یادداشتهای عینی که به خط فارسی در ایران منتشر شده است، سفارش فرمود.

این هم گذشت تا اینکه در تاجیکستان اقامت گزیدم و در خوابگاه دانشجویی جایگیر شدم. در خوابگاه رادیویی داشتم و آخر شب که تنها می‌شدم، به رادیو تاجیکستان گوش می‌دادم؛ متوجه شدم که برخی از شبها گوینده‌ای در رادیو تاجیکستان بخشهایی از *یادداشت‌های عینی* را می‌خواند. گوینده چنان با احساس و زیبا *یادداشت‌ها* را می‌خواند که محال بود شنونده را جذب نکند و به دنبال خود نکشاند. *یادداشت‌های عینی* خود شاهکار نثر معاصر فارسی است و این طرز ادا و خوانش متن هم شاهکار گویندگی بود که جاذبه اثر را برایم دوچندان می‌کرد. دیگر هر شب منتظر بودم و گوش می‌نهادم به صدای رادیو تاجیکستان که کی این برنامه پخش می‌شود. مجری برنامه که یک خانم بود، با این عبارتها سخن را به دست گرفته و می‌داد: «ادامه برنامه‌های رادیو تاجیکستان؛ السلام علیکم شنونده‌های گرامی! به توجه شما گفتار ادبی از سلسله خوانش بدیعی، اثر نویسنده بزرگ تاجیک صدرالدین عینی، *یادداشت‌ها* در قرائت عبدالرشید خجندقلاف».

دوست ارجمندم دکتر که با این نقل می‌کرد که در یکی از شبها که در رادیو تاجیکستان درباره موسیقی ایران و تاجیکستان برنامه داشتم، صدای همین عبدالرشید خجندقلاف که داشت *یادداشت‌ها* را می‌خواند، جذب خود کرد و نشستم و به برنامه‌اش گوش دادم و پس از اجرا چند دقیقه‌ای با هم صحبت کردیم و بیشتر با او آشنا گردیدم و متوجه شدم که عبدالرشید خجندقلاف از جمله کسانی است که سعی می‌کند فارسی را به صورت معیار و حتی نزدیک به زبان معیار رایج در ایران صحبت کنند. وی معمولاً متن‌ها و داستانهای دیگر را نیز به همین زیبایی و با احساس در رادیو ایران می‌خواند. جالب است که وی آگاهانه قطعه‌هایی را انتخاب می‌کند و از قبل تمرین می‌نماید تا این کار را هدفمند انجام می‌دهد.

به هر حال پس از این بود که همان‌جا کتاب *یادداشت‌ها* را از کتابخانه فردوسی گرفتم و از ابتدا تا انتها خواندم و مقدمه زیبای سعیدی سیرجانی را هم همان وقت دو بار خواندم. معمولاً در محفله‌ها و یا همایشهایی که درباره صدرالدین عینی برگزار می‌شد شرکت می‌کردم و بیشتر و بیشتر درباره او اطلاعات کسب می‌کردم. جالب توجه است که به دلیل اینکه در دپارتمان ادبیات معاصر تحصیل می‌کردم، یکی از موضوعاتی که در امتحان

اختصاص (جامع) مرحوم استاد خدای‌نظر عصازاده، مه‌ذیر گروه و مسئول کمیسیون برگزاری امتحان، از من پرسید صدرالدین عینی بود که باید درباره او و آثارش بحث می‌کردم و پاسخ می‌دادم.

هرکس که به تاجیکستان می‌رود و در آن فضا قرار می‌گیرد، از صدرالدین عینی بسیار می‌شنود؛ مجامع علمی و فرهنگی که جای خود دارد، در کوچه و بازار و خیابان و شهر و روستا هم نام عینی می‌درخشد و به گوش می‌رسد. دانشگاه آموزگاری که قدیمی‌ترین دانشگاه تاجیکستان است و نیز یک مدرسه در دوشنبه، به نام صدرالدین عینی است؛ ناحیه‌ای در شمال تاجیکستان در ولایت سغد، «ناحیه عینی» نام دارد؛ یک خیابان و بلوار و میدان، که مجتمه ری هم بر آن نصب شده است، به نام عینی است؛ «ایربالت عینی» در اصلی‌ترین خیابان دوشنبه، پای شهر قرار دارد؛ «پارک عینی» که در جایی بسیار زیبا در خیابان اصلی شهر واقع شده است، در عینی را در خود جای داده است؛ بر روی قبر عینی بنای یادبود بسیار زیبایی هم ساخته‌اند. همچنین قبر پسرش کمال عینی در همین پارک قرار دارد؛ خانه عینی در دوشنبه که امروز تبدیل شده، به نام «خانه‌موزه عینی» مشهور است. البته خانه عینی در سمرقند هم به موزه تبدیل یافته است و بسیاری از آثار و اشیاء و عکسها و تابلوهای مربوط به وی در آنجا نگهداری می‌شود.

اما مگر صدرالدین عینی کیست و چه کرده است و چه دارد که توانسته است بلندترین جایگاه اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و تاریخی و ادبی را از آن خود کند و در میان قشرهای گوناگون جامعه محبوبیت شایانی به دست آورد، خانه پس از به استقلال رسیدن تاجیکستان عنوان عالی «قهرمان تاجیکستان» را به او بخشید و در ۲۵ شهریور ۱۳۹۹، بخارایی، جُستارها، ص ۱۹۹؛ مسلمانان قبادیانی، «نکته‌ها و تازه‌های فرهنگی و تاریخی از دوشنبه، بخارا، سمرقند و...» (۷)، ص ۲۱۹ و باباجان غفوروف او را «پدر ملت» بنامد؟ محمدجان شکوری بخارایی در این باره از زبان باباجان غفوروف نقل می‌کند که «پدر ملت استاد عینی بود که برای عمر دوباره یافتن تاجیکان، بیشتر از هر کسی مبارزه کرده است و به پیروزی رسیده است» (جُستارها، ص ۱۴۷). محمدجان شکوری بخارایی در جایی دیگر می‌نویسد: «از اوایل دهه سی‌ام تا اواخر دهه شصتم [قرن ۲۰ میلادی]، در تاجیکستان فقط

سه نفر را با عنوان «استاد» نام می‌بردند که یکی استاد رودکی و دیگری استاد عینی و سومی استاد لاهوتی بود. این عالی‌ترین درجه بزرگداشت در دوران تشکّل خودشناسی تاریخی و خودآگاهی ملی تاجیکان ورارود است. رودکی چون بنیان‌گذار ادبیات جهان‌شمول فارسی از عهد آل سامان سزاوار این عنوان شده بود. از هم‌زمانان، صدرالدین عینی با آن همه دانش بی‌حدّ و جانبازیایی که در راه ملت کرد و ابوالقاسم لاهوتی به سبب محبوبیت همگانی که داشت و شعرش را در دوردست‌ترین گوشه‌های ورارود هر جا تاجیکی باشد، می‌خواندند. می‌س. وند در نظر مردم به درجه استاد ملت رسیده بودند» (همان، ص ۱۹۹).

شن زنده‌ای و فعالیت‌های فرهنگی و ادبی این بزرگ‌مرد تاریخ ادبیات فارسی را در کتاب پیش‌رو می‌خوانیم و در اینجا به هیچ‌روی قصد تکرار همان مطالبی را که عینی با قلم شیوای خود نوشت است. بنابر این؛ همین قدر می‌گوییم که حیات صدرالدین عینی چنان پربار است و میراثی که بر جسد نهاده آن‌قار گران‌سنگ است که وی را در شمار مردان بزرگ تأثیرگذار تاریخ درآورده است. حجتاً، این شکوری بخارایی در این باره می‌گوید: «تاجیکان ماوراءالنهر در تاریخ خود مردان بزرگ و نام‌آئیده‌اند، ولی به گمان ما در عصر ثوین، در سده نوزدهم و بیستم [میلادی]، دو مرد بزرگ تاریخ‌ساز به میدان آورده‌اند که در راه خودشناسی تاریخی و معنوی، در جستجوی راه احیاء ملی سرّوژی نموده‌اند؛ یکی از اینها احمد دانش و دیگری صدرالدین عینی است» (همان، ص ۱۹۰).

عینی از این نظر که برای تأسیس و ایجاد دولت و کشور برای تاجیکان به نام تاجیکستان تلاش کرده و مبارزه نموده است، حق بسیار بزرگی را گردن تاجیکان دارد. در واقع «او سرّور معنوی چند نقری بود که با چنین دعوی‌ای به پا شد. چون امروز برای ازبک‌ها به نام ازبکستان دولتی تشکیل کردن لازم بوده است، برای تاجیکان نیز دولتی به نام تاجیکستان سازمان دادن ضرور است» (همان، ص ۱۶۹-۱۷۰). چنان‌که تألیف کتاب نمونه ادبیات تاجیک نیز از جمله فعالیت‌های بسیار مهم و سرنوشت‌ساز عینی در مسیر احیای حقوق از دست‌رفته تاجیکان بوده است. جالب توجه است که با انتشار این کتاب در سال ۱۹۲۶ م. بود که عینی «به پان‌ترکیست‌ها ضربه سختی رسانید» (شکوراف، صدرالدین عینی،

ص ۶۲) و به قول خودش «برده آن اغواگران را درانید و به دهان آنها مهر خاموشی زد» (همان).

صدرالدین عینی فرزند سید مرادخواجه و زیورآی در سال ۱۸۷۸ م. (۱۲۹۵ ق/ ۱۲۵۶ ش) و یا به قولی دیگر ۱۸۷۵ م. (ر.ک به: امام‌اف، «نگاهی دوباره به خاستگاه صدرالدین عینی»، ص ۱۵۶)، در ساکتری، یکی از روستاهای اطراف بخارا به دنیا آمد و در ۱۵ ژوئیه سال ۱۹۵۴ م. (۱۳۷۴ ق/ ۱۳۳۳ ش) در دوشنبه، پایتخت تاجیکستان، چشم از جهان فرو بست. وی همان‌چنان که اساس‌گذار و پیشگام ادبیات معاصر فارسی - تاجیکی به شمار می‌رود، از یک‌جا نیز او را یکی از بنیان‌گذاران ادبیات نوین خود می‌دانند (مسلمانیان قبادیانی، «نگاه‌ها» بارها، فرهنگی و تاریخی از دوشنبه، بخارا، سمرقند و... (۷)، ص ۲۱۸؛ نیز ر.ک به: شکوراف، صدرالدین عینی، ص ۶۸؛ زیرا او به هر دو زبان فارسی و ازبکی اثر آفریده است (ر.ک به: سک، اف، صدرالدین عینی، ص ۲۹۹-۳۰۰). همچنین او را «اساس‌گذار ادبیات شوروی تاجیک» مرده‌اند؛ زیرا «اولین آثار رنالیستی نثر تاجیکی دوران نو را» آفریده است (ر.ک به: صاحب، «نثر معاصر تاجیک»، ص ۷۴). صدرالدین عینی «متقد، شاعر، نویسنده، تاریخ‌نویس و ریاضت‌ان بوده و آثاری در هریک از این زمینه‌ها خلق کرده که بیشتر آنها سهم بزرگی در دگرگونیهای ادبی، اجتماعی و فرهنگی و رارود قرن بیستم داشته است» (همدانی و حسینی‌پور، «نگاهی به زندگی و آثار صدرالدین عینی»، ص ۲۵۵)؛ البته «نگاه ویژه عینی در بیشتر آثارش با تعریف خاص سوسیالیسم روسی معنا می‌یابد» (همان). عینی چنان‌که خود بارها گفته است از سال ۱۸۱۵ م/ ۱۳۱۲ ق. به میدان ادبیات پای گذاشت و نخست فعالیت ادبی‌اش را با شعر آغاز کرد. او از ۲۵ سال شعرخوانی و شعرنویسی و کسب شهرت والا در شاعری، یکباره به نثر روی آورد و به‌طورکلی نثر را پیشه خود ساخت (ر.ک به: شکوری بخارایی، «سیر ادبی صدرالدین عینی و مرحله‌های آن»، ص ۷۶؛ شکوراف، صدرالدین عینی، ص ۵۸). خود وی در این باره چنین توضیح داده است: «چهارچوبه وزن و قافیه برای افاده مضمونهایی که انقلاب الهام می‌کرد، تنگی نموده و یا اینکه قابلیت شعری من از افاده آن مضمونها در لباس شعر عاجز آمد و درآدمم به نثرنویسی» (شکوراف، صدرالدین عینی، ص ۵۸).



عینی بنا به گواهی آثار ادبی‌اش، ایجادکننده و آغازگر بیشتر ژانرها و نوعهای ادبی منظوم و منثور معاصر تاجیک به شمار می‌رود (رک به: همان، ص ۶۸). زبان وی هم در همه آثارش ساده و روان است و از پیچیده‌گویی پرهیز می‌کند؛ چنان‌که به گفته محمدجان شکوری، «در مسئله زبان از اول طرفدار ساده‌نویسی و از جمله پیروان تعلیمات احمد دانش بود» (همان، ص ۱۴۱). همچنین شکوری درباره گرایش عینی به ساده‌گویی در شعر می‌گوید: «صدرالدین عینی، از نخستین قدمها، در شعر ساده‌گویی پیشه کرد؛ ولی ساده‌سرایی او باعث عادی‌گویی و کاستن متانت سخن نگردید. سروده‌های او، با وجود نهایت سادگی، از لطافت و سلاست سخن محروم نیست» (شکوری بخارایی، «سیر ادبی صدرالدین عینی و مرثیه‌ها، آن»، ص ۷۷). سعیدی سیرجانی هم بر اساس یادداشتها نشر عینی را «روان، دشین و شوق‌انگیز» شمرده است (رک به: عینی، یادداشتها، ص یازده). نذرالله بیکنش<sup>۱</sup> نیز در «تغیلات» خود درباره طرز بیان و شیوه ادبی و لحن و زبان عینی چنین اظهار نظر کرده است: «صدرالدین عینی از استعاره و تشبیهات قرون وسطایی که مطلقاً زلف را «مار»، قد را «چراغ»، زبان را «خار»، ابرو را «تیغ آبدار» می‌کرد، دست کشیده، جای آن را با تشبیهات تازه، زندگی تازه را پر کرده است. وی آثار خود را با ضرب-المثل‌های نمکین خلق زینت داده، جمله‌پردازیهای غریب طبعی را تا حدی از زبان ادبی رفته است. قهرمانان صدرالدین عینی با زبان مادر خود گفتگو می‌کنند؛ درعین‌زمان اگر خصوصیات بعضی تپها را ضروری شماریم، زبان «آدینه» و «داخون» نه منحصر یک لهجه است، بلکه برای همه لهجه‌های تاجیکی دسترس می‌باشد. «داخون» بر بنای زبان روستا نوشته شده است، اما صدرالدین عینی زبان روستا را مثل آنکه بذر را در دست می‌گیرند، سره کرده گرفته است» (بیکنش، «دوران آغازین فعالیت‌های ادبی صدرالدین عینی»، ص ۶۵).

<sup>۱</sup> نذرالله بیکنش: نذرالله حیدری متخلص به بیکنش، نویسنده و پژوهشگر و از شخصیت‌های معروف نیمه اول قرن بیستم میلادی بود که در سال ۱۹۳۸ در جریان ترور دوران استالینی کشته شد.

جالب توجه است که برخی منتقدان، عینی را در سرودن شعر نو با نیما یوشیج و در داستان‌نویسی با صادق هدایت مقایسه کرده‌اند. رستم وهاب، یکی از شاعران و پژوهشگران تاجیک، بر آن است که نخستین نمونه موفقیت‌آمیز عینی در سرودن شعر نو که در زمینه وزن عروضی هم قالب‌شکنیهایی در آن صورت گرفته، «مارش حریت» است. با توجه به اینکه مارش حریت در سال ۱۳۰۱ ش/ ۱۹۲۳ م، یعنی ۵ سال پیش از «افسانه نیما» سروده شده است و وزن هردو منظومه هم یکسان است، این احتمال وجود دارد که نیما از شعر مارش حریت گاه بوده و افسانه را تحت تأثیر آن سروده است. آوردن دو پاره از این شعر را در اینجا برای مقایسه آنها مناسب به نظر می‌رسد؛ از مارش حریت: «ای ستم‌دگذار، ای اسیران! وقت آزادی ما رسید/ مزدگانی دهید ای فقیران! در جهان صبح شادی دمید... / مریمگار، بن خرم و شاد/ سالها جام عشرت چشید/ در شب تیره جور و بیداد/ هر ستم‌دیده منت کشید»؛ از افسانه: «در شب تیره، دیوانه‌ای کاو/ دل به رنگی گریزان سپرده/ در دره‌ی درد و خلوت نشسته/ همچو ساقه‌ی گیاهی فسرده/ می‌کند داستانی غم‌آور»؛ به‌ویژه اینکه عبارت مشترک «در شب تیره»، در هردو منظومه، احتمال آگاهی نیما از شعر مارش حریت را بیشتر محویت می‌کند (ر.ک به: وهاب، «عینی و نیما»، ص ۱-۳).

درباره عینی و هدایت نیز برخی برآن‌اند که شباهت‌های زیادی بین این دو نویسنده در زمینه فعالیت‌های علمی، فرهنگی و ادبی وجود دارد. هردو در آثار داستان‌نویسی، تحقیقات ادبی هم داشته‌اند؛ هردو در قالب‌های نثر داستانی اروپایی آثار ادبی را به‌یاد کرده‌اند و در ساده کردن زبان نثر بدیعی تلاش‌های فراوان نموده‌اند؛ به‌ویژه اینکه بین داستان «رگ سودخور» عینی و «حاجی‌آقای هدایت» از این حیث که هردو در ژانری طنزآمیز آفریده شده‌اند و قهرمانانشان قاری عصمت معروف به قاری اشکبه و حاجی ابوتراب از جهاتی شباهتهایی با هم دارند، قابل مقایسه‌اند (ر.ک به: خواجه‌مرادف، «قاری اشکبه» صدرالدین عینی و «حاجی‌آقای صادق هدایت»، سایت بی‌بی‌سی؛ همدانی و حسینی‌پور، «نگاهی به زندگی و آثار صدرالدین عینی»، ص ۲۷۴).

عینی در بسیاری از ساحه‌ها و شاخه‌های علمی و فرهنگی و ادبی در تاجیکستان، آغازگر و پیشگام و یا بنیان‌گذار بوده است؛ چنان‌که درباره‌اش گفته‌اند که وی یکی از آغازگران تحقیقات جامعه‌شناسی تاجیکستان در قرن بیستم، از بنیان‌گذاران زبان‌شناسی نوین تاجیکستان، از نخستین تاریخ‌شناسان دوره نوین تاجیکان، از پیشاهنگان انواع مختلف نگارش از قبیل رمان، داستان کوتاه، طنز، هجو، تاریخ، افسانه، قصه‌های عامیانه، فولکلور، ادبیات شفاهی، لغت‌نویسی، گزارش‌نویسی، فرهنگ‌نویسی، کتابهای آموزشی، کتابهای سیاسی، یادداشت‌نویسی، شعر انقلابی، پژوهشهای علمی، تاریخ ادبیات، زبان‌شناسی، نقد ادبی، نمایشنامه‌نویسی، تحقیقات ادبی و تذکره‌نویسی است» (همدانی و حسینی‌پور، «نگاهی به زندگی و آثار صدرالدین عینی»، ص ۲۶۲).

مجموعه آثار عینی پس از وفاتش در ۱۳ جلد به خط سیرلیک در تاجیکستان با عنوان کلیات عینی در سالهای ۱۳۵۰-۱۹۷۷ م. چاپ و منتشر شده است. نامه‌های او نیز به همت همسرش (صلاحات) و فرزندان (کمال و خالده) جمع‌آوری شده‌اند و به چاپ رسیده‌اند. بیشتر آثارش هم به زبان روسی و هم به زبان ملل شوروی سابق و دوازده زبان خارجی ترجمه و منتشر شده است (رک: ص ۲۷۵).

روند نقد و پژوهش درباره پهلوه‌های نوناگون زندگی و آثار عینی از همان زمان حیاتش جریان یافته است و تاکنون نیز ادامه دارد. عینی و معلومات درباره او و نمونه شعرهایش ابتدا در برخی تذکره‌های آن دوره وارد شده است؛ به‌ویژه صدر ضیاء در تذکره خود، تذکار اشعار، علاوه بر بیان شرح حال مختصری از عینی و نمونه‌های مختلفی از شعرهای او، درباره نظم و نثرش اظهار نظر کرده، ارزش ادبی آنها را بلند شمرده است؛ وی عینی را صاحب «طرز خاص» و «طرز نو» دانسته، مضمونهای اشعارش را بکر شمرده است، به‌طوری‌که «اگر بنگری سر به سر شعر او/ از مضمون پیشین نبینی درو» (رک: به: صدر ضیاء، تذکار اشعار، ص ۱۵۲-۱۶۲). نوشتن مقاله‌ها و کتابهای علمی و پژوهشی درباره عینی و آثارش نیز از همان سالهای ۲۰ و ۳۰ قرن بیستم میلادی آغاز شده است؛ برای نمونه یکی از اولین پژوهشهای علمی و ادبی در این زمینه، کتاب صدرالدین عینی و ابداعات او، نوشته نذرالله بیگناتاش است که در سال ۱۹۳۳ م. چاپ شده است. در تاجیکستان آن‌قدر

کتاب و مقاله درباره عینی نوشته شده است که فقط تا سال ۱۹۸۷ م. دو جلد فهرست این آثار با عنوان فهرست آثار عینی و ادبیات راجع به او در دوشنبه منتشر شده است؛ فهرست بقیه اثرها که تاکنون ادامه دارد، هنوز منتشر نشده است. بسیاری از استادان و پژوهشگران چنان علمی و تخصصی به عینی پرداخته‌اند که در بین محققان و دانشگاهیان و فرهنگیان با عنوان «عینی‌شناس» شهرت یافته‌اند؛ در این خصوص، محققانی چون محمدجان شکوری بخارایی، صاحب تبروف، عطاخان سیف‌اللهیوف، خالق میرزازاده، رسول هادی‌زاده، عبدالجی محمدلین‌اف، عبدالخالق نبوی، محمدیوسف امام‌اف و... را می‌توان نام برد. در تاجیکستان هر سال همایشها و بزرگداشت‌های گوناگونی با نام صدرالدین عینی برگزار می‌شود؛ از آنجا که بسیار مورد و رسمیت دارد، «سالانه عینی» است که هر ساله در روز چهاردهم آوریل برگزار می‌شود و در آن، ضمن سخنرانی‌های گوناگون، مقاله‌های علمی و پژوهشی درباره عینی ارائه می‌گردد. به‌طوری‌که مجموعه مقالات «سالانه عینی» تحت همین عنوان تاکنون به بیش از ۱۰۰ جلد رسیده است. همچنین در مدرسه‌ها به‌صورت پراکنده، اثرهای صدرالدین عینی آموزش داده می‌شود. دانشگاهها نیز در بخش ادبیات معاصر، عینی جایگاه اساسی دارد. همچنین در دانشگاهها و پژوهشگاهها و مؤسسات عالی، مرتب رساله‌های علمی دکتری و فوق دکتری ارائه می‌گردد و از آنها دفاع می‌شود.

اما جامعه علمی، ادبی و فرهنگی ایران چه اندازه با صدرالدین عینی و آثارش آشنایی دارند؟ از میان استادان و نخبگان ایرانی هم‌روزگار عینی، دیدار بوالقاسم لاهوتی که خود مقیم شوروی بود و همکار و دوست نزدیک عینی به شما می‌رساند، می‌توان از سعید نفیسی و علی‌اصغر حکمت نام برد که با عینی آشنا بوده‌اند و حتی به دیدار هم داشته‌اند. سعید نفیسی در سال ۱۹۲۶ م/ ۱۳۰۵ ش. هم‌زمان با انتشار کتاب نمونه ادبیات تاجیک نقدی عالمانه بر آن نوشت و عینی را «علامه» خواند و این چنین او را به ایرانیان شناساند (ر.ک به: همدانی و حسینی‌پور، «اول خویش، دوم درویش»، ص ۸۵؛ همانها، «نگاهی به زندگی و آثار صدرالدین عینی»، ص ۲۷۶). نفیسی در مقاله‌ای دیگر که چند سال بعد از درگذشت عینی نوشته است، سیمای عینی را بادقت توصیف می‌کند و می‌گوید: «... این مرد از بزرگان دیار خود بود. در راه آزادی و استقلال رنج برده و زندان کشیده و شکنجه

دیده بود. قدی متوسط و بیشتر کوتاه، جثه‌ای ظریف و باریک، صورت کشیده لاغر، چشمان درشت، بینی پهن، لبان کلفت، چانه برجسته، موهای جوگندمی داشت. همیشه لباس مخصوص تاجیکان و ازبکان، یعنی لباده بلند آستین‌گشاد دارایی<sup>۱</sup> راه‌راه رنگارنگ می‌پوشید و شب‌کلاه قلاب‌دوزی‌کرده سفید و سیاه بر سر می‌گذاشت و چکمه ساقه‌نازک به پا داشت. حتی سرتاپای او مظهر تاجیکان آن سوی مرزهای ایران بود. فارسی را به همان لهجه تاجیکان، اما کتابی حرف می‌زد و به همین جهت، فهم آن در برخورد اول برای ایرانیان آسان بود. (عینی، نمونه ادبیات تاجیک، مقدمه: نوشته کمال‌الدین عینی، ص بیست و هفت، به نقل از سالنامه دنیا، ش ۱۹، ص ۱۹۹). علی‌اصغر حکمت نیز در خرداد ۱۳۲۷ ش / ۱۹۴۸ م در سخن بین‌المللی امیر علیشیر نوایی که در تاشکند برگزار شد، با عینی ملاقات کرده است. و تا مشعری پانزده بیتی به او تقدیم نموده است. عینی نیز در جواب حکمت، قطعه‌شعری به ستایشی با همان وزن و ردیف می‌سراید به او پیشکش می‌کند (ر.ک به: همدانی و عینی در، «اول خویش، دوم درویش»، ص ۸۵ همانجا، «نگاهی به زندگی و آثار صدرالدین عینی»، ص ۲۷۶). پرویز ناتل خانلری نیز با عینی از طریق آثارش آشنا بوده است؛ به‌ویژه اینکه در شماره هشتم مجله سخن، سال ۱۳۲۴ ش. درباره او سخن گفته، در کنار بزرگانی چون میرخسرو هلوی، نظامی گنجوی، اقبال لاهوری و... از او یاد کرده است (ر.ک به: مسلمانیان قبادیان، مکتبه‌ها و تازه‌های فرهنگی و تاریخی از دوشنبه، بخارا، سمرقند و... (۷)، ص ۲۱۹). همدانی و عینی با عینی از طریق یادداشتها با عینی آشنا می‌شود و در سال ۱۳۵۱ ش. در مجله سخن این کتاب را معرفی می‌کند و از آن تمجید می‌نماید و در چند شماره از مجله، بخشهایی از آن را به چاپ می‌رساند (ر.ک به: همدانی و حسینی‌پور، «نگاهی به زندگی و آثار صدرالدین عینی»، ص ۲۷۶). از ایرج افشار نیز باید یاد کرد که در سال ۱۳۵۸ در شماره ۱۰-۱۲، سال پنجم مجله آینده، کتاب کارنامه استاد صدرالدین عینی را که به کوشش کمال عینی در دوشنبه منتشر شده بود معرفی می‌کند و مختصری را از شعرهای عینی نقل می‌نماید. اما این

<sup>۱</sup> دارایی: یک نوع پارچه ابریشمی که چند تار پنبه در آن باشد.

علی اکبر سعیدی سیرجانی بود که در سال ۱۳۶۲ ش. با انتشار *یادداشت‌های عینی*، صدرالدین عینی را بیش از پیش به جامعه فرهنگی و کتاب‌خوان و ادب‌دوستان ایران معرفی کرد؛ به ویژه اینکه با نوشتن مقدمه خوب و خواندنی بر آن و نیز تدوین لغتنامه‌ای با عنوان «فرهنگ واژه‌های تاجیکی» که در پایان کتاب گنجانده است، توانست مخاطبان بیشتری را جذب این اثر نماید. پس از این بود که محققان ایرانی، به صورت پراکنده مقاله‌هایی درباره عینی نوشتند. البته در دوره متأخر باید از کوششهای فراوان علی دهباشی در انتشار مجله‌های کلک و عمار یاد کرد که در شناساندن جغرافیا و تاریخ و ادبیات و مشاهیر و آثار و اشعار تاجیکان و ورود به ایرانیان نقش عمده‌ای داشته است و قطعاً در این میان، درباره صدرالدین عینی و اثرات او اطلاعات گوناگونی ارائه شده است.

صدرالدین عینی با این همه آثار فراوان و گوناگونی که دارد، فقط چهار کتاب وی در ایران منتشر شده است که این هم به احتمال زیاد امروزه دیگر نایاب‌اند؛ این کتابها عبارت‌اند از: *یادداشتها*، تهران، انتشارات آگاه، ۱۳۶۲؛ *تاریخ انقلاب فکری در بخارا*، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۸۱؛ *میرزا عبیدالله*، تهران، انتشارات سوره مهر، ۱۳۸۴؛ نمونه *ادبیات تاجیک*، تهران، سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، ۱۳۸۵.

در دانشگاه‌های ایران نیز صدرالدین عینی که در شصت و سه سالگی به ایران مهاجرت کرده و در آنجا باقی‌مانده است و با جایگاه بلندی که علی در تاریخ و ادبیات معاصر فارسی دارد، متأسفانه اثرهایش در دانشکده‌های ادبیات دانشگاه‌های ایران به خواننده و آموزش داده می‌شود و نه مورد تحقیق و بررسی قرار می‌گیرد. تاجایی که نگارنده این سطور سراغ دارد، درباره عینی فقط یک رساله علمی با عنوان *ساختار جامعه‌شناسی در یادداشت‌های صدرالدین عینی* در مقطع دکتری ادبیات دانشگاه تهران ارائه و از آن دفاع شده است؛ این رساله را خانم آریتا همدانی به راهنمایی دکتر منوچهر اکبری و مشاوره دکتر ابراهیم خدایار و پروفسور رحیم مسلمانیان قبادیانی نوشته است و در تاریخ ۱۳۸۶/۱۲/۴ از آن دفاع کرده است.

آثار صدرالدین عینی و دیگر نویسندگان تاجیک و یا افغانستانی به زبان فارسی تعلق دارند و در قلمرو و تملک این زبان‌اند؛ صاحبان این آثار هم در هر جای دنیا که باشند،

نویسندگان خارجی به شمار نمی‌آیند؛ درحالی که در دانشگاه‌های ایران این همه به ادبیات غرب و یا خارجی و نقد و بررسی آنها توجه می‌شود، جای بسی دریغ و تأسف است که به زبان و ادبیات فارسی خودمان که امروزه در آن سوی مرزهای فعلی ایران قرار گرفته است، توجه نمی‌شود و بسیاری از استادان و دانشجویان از آن بی‌خبرند و بازار نشر کتاب، خالی از این آثار است. هر جا که فارسی‌زبانی باشد و اثری به زبان فارسی آفریده شود، همان‌جا جزء قلمرو زبان فارسی به شمار می‌آید و درون مرز فرهنگی این زبان قرار گرفته‌ایم. زبان فارسی مهم‌ترین ابزار ما برای خودشناسی ملی و فرهنگی و رمز پیوند و اتحاد گر، بر مبنای از انسانهایی است که با همین زبان، صاحب تاریخ و فرهنگ و ادبیات و هویت و مایه‌تواند و محکم‌ترین سلاح برای استوار و پابرجا ماندن در جهان امروز است. بی‌اقبوس شدن زبان هویت‌بخش و پیونددهنده، زبانی بس جبران‌ناپذیر به ملت ما وارد خواهد آورد؛ زیرا «زبان هستی، ملت است»؛ جالب توجه است که رئیس جمهور تاجیکستان، امام علی رحمان، کتاب «دانش‌آموختن از زبان ملت - هستی، ملت» در پیشانی این کتاب (ص ۴) با خط درشت - به ابیای برلیک - نوشته شده است: «تنها زبان است که در همه دوره و زمان، تاریخ واقعی و راست را در حافظه خود نگاه می‌دارد». این سخن، سخنی بس درست و منطقی است؛ اگر از زبان ن پاسداری نکنیم و برای حفظ و گسترش آن به‌ویژه از طریق پاسداشت و بزرگداشت میراث گذشتگانمان و اهتمام به آموختن این میراث کوشش نکنیم، هستی ملتمان در معرض خطر قرار می‌گیرد و سرانجام چه بسا همچون بعضی اقوام که زبانشان را از دست دادند و نابود شدند، هستی‌مان هم از بین برود. به‌ویژه اینکه امروزه خطرهایی چون پان‌ترکیسم که در آذربایجان و آسای میانه وجود دارد و با هجوم واژه‌ها و فرهنگ بیگانه به زبان و فرهنگ ما، هویت ما فارسی‌زبانان در خطر جدی قرار گرفته است. از همین رو، بایسته است که دولتمردان و سیاستمداران و نویسندگان و پژوهشگران و دانشگاهیان کشورهای فارسی‌زبان برای نگاهداشت زبان و هویت ملی تمام فارسی‌زبانان جهان، با فکر و تدبیر و قدم و قلم خود، همچون صدرالدین عینی، جهاد فرهنگی گسترده‌ای نمایند؛ در همین زمینه، زنده‌یاد پروفیسور رحیم مسلمانیان قبادیانی چه زیبا و درست و به‌جا می‌نویسد که «و اما خدمت بی‌نظیر عینی تابشی سیاسی

دارد، یعنی وی از تجربه‌های تلخ تاریخی دریافت که باخته‌های سیاسی را تنها با شمشیر فرهنگ می‌توان جبران کرده (نکته‌ها و تازه‌های فرهنگی و تاریخی از دوشنبه، بخارا، سمرقند و... (۷)، ص ۲۱۸).

اما سخنی چند درباره کتاب پیش رو، مختصر ترجمه حال خودم که اینک بدین شکل چاپ و منتشر می‌شود و گزارشی از تصحیح و تحقیق آن. این کتاب چنان‌که از نامش هم برمی‌آید، شرح حال و زندگی و فعالیت‌های صدرالدین عینی و وقایع تاریخی دوران حیات اوست که از زمان تولدش در سال ۱۸۷۸ م. تا سال ۱۹۴۸ م. را - البته به اجمال و اختصار تمام - درمی‌گیرد. این کتاب برخلاف یادداشت‌ها که بسیار مفصل است و شرح زندگانی عینی و وقایع تاریخی زنده‌اش را با جزءنگری و شاخ و برگ بسیار بیان می‌کند، اگرچه مختصر است، اما احوال و فعالیت‌ها و آثار عینی را تا سال ۱۹۴۸ م. بازگو می‌کند، درحالی‌که وقایع حیات عینی در یادداشت‌ها به سال ۱۹۰۵ م. هم نمی‌رسد. شاید کسی بپرسد با وجود اینکه یادداشت‌های عینی به کوشش شی‌اکبر سعیدی سیرجانی چاپ شده است و نیمه‌ای از همین کتاب مختصر ترجمه حال خودم هم در بخش پنجم یادداشت‌ها با عنوان «تتمه سرگذشت عینی» آمده است، دیگر چه سرنوشتی به چاپ و انتشار این کتاب بوده است و چه تفاوتی با آن بخش پنجم یادداشت‌ها که در دست است دارد؟ کلّ گزارشی که نگارنده درباره کارهایی از قبیل تصحیح و ویرایش و تحقیق روی این اثر انجام داده‌ام و در پی می‌آید، می‌تواند پاسخ این پرسش نیز باشد.

نخست باید گفت که نسخه‌هایی که در تصحیح این اثر استفاده برده‌ام، یکی نسخه‌ای است به خط فارسی که به گفته کمال عینی، شخصی مرتضی به نام حسین حسینی آن را از روی نسخه دستنویس مؤلف پاکتویس کرده است و در سال ۱۹۷۸ م. در دوشنبه به شکل افست منتشر شده است. سعیدی سیرجانی هم «تتمه سرگذشت عینی» را در بخش پنجم یادداشت‌ها از همین نسخه نقل کرده است. نسخه دیگر، به خط سیرلیک است و در سال ۱۹۵۸ م. در دوشنبه منتشر شده است. باتوجه به اینکه نسخه افست خط فارسی در بسیاری جایها ناخوانا و بدخط است و اشتباهات جدی دارد، تمام متن را با نسخه سیرلیک که چاپی است و به سبب الفبای سیرلیک که دیداری است و خواندنش



آسان‌تر است، تطبیق داده‌ام و در حد امکان، خطاها و غلطهای متنی را کاهش داده‌ام. شایان ذکر است که پروفیسور عبدالحی محمدامین‌اف، که یکی از عینی‌شناسان تاجیکستان است، شفاهاً به اینجانب گفت که هردو نسخه با نسخه اصیل فاصله دارند و در هردو غلطهای گوناگونی وجود دارد؛ اما فعلاً فقط همین دو موجود است و در دسترس است و ما از نسخه اصیل دیگر و یا دستخط مؤلف بی‌خبریم.

متن پیش رو را پس از حروفچینی، بر اساس رسم‌الخط جدید و منتخب فرهنگستان زبان و ادب فارسی، بادقت ویرایش کرده‌ام؛ البته در حفظ امانت محتوای متن بسیار کوشا بوده‌ام. تمام تاسم این بوده است که با کمک علامتهای سجاوندی و اعراب‌گذاری، خواندن متن را برای خواننده راحت و آسان نمایم. تا آنجایی که توانسته‌ام و هوش و حواس و ذهن و ضمیر یاری کرده است، سعی کرده‌ام مشکلات متن را در پاورقیها توضیح دهم و آنها را برطرف نمایم. لغات و اصطلاحات و وقایع تاریخی و ترجمه حال بسیاری از مشاهیر و شرح بسیاری از مکانهای جغرافیایی را هم در پاورقی آورده‌ام. برای یافتن اطلاعات در زمینه رفع مشکلات و غلطهای متنی و محتوایی و شرح و ابضاحات لازم، علاوه بر مطالعه کتابخانه‌ای و جستجو در منابعی از قبیل انستیتوت و کتابهای تاریخی و ادبی و سایتها و مجله‌ها و مقاله‌ها و...، به مطالعه میدانی هم دست زده‌ام و از بسیاری از استادان و متخصصان و مطلعان در تاجیکستان پرس‌وجو کرده‌ام. شان ذکر است که بسیاری از این منابع در ایران قابل دسترس نبودند و از همین رو، منابع و مواد پژوهشی را از کتابخانه ملی تاجیکستان، کتابخانه دانشگاه ملی تاجیکستان و پژوهشگاه زبان و ادبیات رودکی و پژوهشگاه شرق‌شناسی و میراث خطی آکادمی علمهای جمهوری تاجیکستان و خانه‌موزه عینی و آرشیو و کتابخانه بعضی اشخاص در تاجیکستان به دست آورده و استفاده کرده‌ام و یا از کتاب‌فروشیهای تاجیکستان خریده‌ام.

سعیدی سیرجانی برای چاپ یادداشتها فقط همان نسخه چاپی تاجیکستان را مجدداً حروفچینی کرده است و برای حفظ امانت متن، حتی رسم‌الخط آن را هم تغییر نداده است؛ از نظر ویرایش فنی و ادبی هم کار چندانی بر روی متن صورت نگرفته است؛ یعنی در واقع، این متن، تصحیح انتقادی نشده است. البته سعیدی سیرجانی به‌جز مقدمه، لغتنامه

بسیار خوبی هم ترتیب داده‌اند که من هم از آن، استفاده‌های فراوانی برده‌ام. البته خود سعیدی سیرجانی اذعان کرده و افسوس خورده است که دسترسی به آدمیزادی از ولایت تاجیکستان نداشته و سفری هم بدان‌جا نکرده. از این‌رو، برای لغتنامه به مشکلات زیادی برخورد کرده است (ر.ک به: یادداشتها، مقدمه سعیدی سیرجانی، ص سی‌وشش). برای بنده مایه بسی خوشبختی و خوش‌شانسی است که تاکنون بیش از نه سال است که بدان خطه رفت‌وآمد دارم و مدت مدیدی مقیم تاجیکستان بوده‌ام و از خرمن بسیاری از استادان بزرگ و دانشمند آن سامان، همچون استاد پروفیسور محمدجان شکوری بخارایی خرمه‌چی کرده‌ام و با آنان هم‌نشین بوده‌ام. باتوجه به اینکه یادداشت‌های عینی از منتهای ادبی و تاریخی بسیار هم زبان فارسی است و مورد مراجعه بسیاری از اهل تحقیق هم هست و هم‌اکنون جزء کتاب‌های نایاب است، بایسته است که با تحقیق و پژوهش و ویرایش فنی دقیقی به‌صورت منقح چاپ شود و در دسترس علاقه‌مندان قرار گیرد.

این اثر که اینک بدین شکل چاپ و منتشر می‌شود، پس از فهرست مطالب، مشتمل است بر مقدمه نگارنده این سوره، ریف‌استاد محمد عاصمی و دیباچه استاد کمال عینی که هردو در متن اوست فارسی بودند و در اینجا با ویرایش و تصحیح جدید، عیناً نقل می‌شوند؛ متن مختصر ترجمه حال خودم؛ کتابخانه که شامل تمام منابع و مأخذی است که برای تصحیح متن و نوشتن پاورقیها و مقدمه و... از آنها استفاده شده است؛ فهرست لغات، ترکیبات، تعبیرات و اصطلاحات که اینجانب ترتیب داده‌ام (شان ذکر است که تمام آنچه در این قسمت تنظیم یافته است، در سراسر متن در پاورقیها هم موجود است و به‌منظور راحت‌تر خواندن و استفاده کردن خوانندگان در پاورقیها آورده شده است؛ از سوی دیگر برای اینکه مراجعه محققان به این لغتها و اصطلاحات آسان‌تر باشد و سریع‌تر به مقصود خود برسند، این فهرست تنظیم شده است)؛ فهرست بیتها؛ در پایان هم نمایه آمده است که نام اشخاص، اقوام، احزاب، فرقه‌ها، ادیان، زبانها، مکانها، کتابها، نشریه‌ها و... را دربردارد.

شایان ذکر است که محتوای متن کتاب، خود هیچ عنوانی ندارد و وقایع همین‌طور پشت سر هم آمده است؛ در متن تصحیح‌شده نیز هیچ عنوانی بر روی مطالب قرار نگرفته است. در پایان نسخه اوست فارسی هفت صفحه با عنوان توضیحات آمده است که لغتهای

دشوار متن را توضیح داده است؛ در متن تصحیح شده این قسمت حذف شد؛ زیرا با وجود فهرست لغات، ترکیبات، تعبیرات و اصطلاحات که کامل تر و مفصل تر و دقیق تر است، این بخش زاید می نمود. البته تمام آن لغتها در این فهرست نیز گنجانده شده است. در پایان متن نسخه خط سیرلیک از صفحه ۱۱۴ تا ۱۲۸، تعلیقات برای متن با عنوان «قیدها و ایضاحات» به قلم ر. هادی زاده و ک. عینی آمده است که در بیشتر جایهای متن تصحیح شده و در موارد لزوم، این توضیحات را به الفبای فارسی برگردانده ام و با ذکر صفحه، در پاورقی آورده ام.

در پایان به خود لازم می دانم که از استادان ارجمند و دوستان بزرگواری چون دکتر عبدالخالق نبوی، پروفیسر روشن رحمانی و زین الدین مختارف که در بسیاری موارد، پاسخگوی پرسشهایم بودند، اطلاعات ارزشمندی درخصوص لغتها، مسائل متنی و ادبی و وقایع تاریخی و مکانهای جمعیایم را اختیارم نهاده اند، کمال تشکر و قدردانی را نمایم. همچنین از دوست مهربانم آقای شهاب طمانی، مدیر انتشارات آرون، و دیگر همکارانش که زمینه چاپ و انتشار این اثر را به بهترین وجه فراهم نموده اند، سپاسگزاری می کنم. یک گل مقصود در این بوستان/ چیده نشد بی ستان.

و لله الحمد اولاً و آخراً

دکتر مصطفی باباخانی

بندر بوشهر

مهریورماه ۱۳۹۵